



این شماره تقدیم می‌شود به
امیر سرلشکر شهید
عزیز نصیرزاده

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۳۱
دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵

جبهه
انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

انرژی به عنوان پیشران اصلی بازسازی در غرب آسیا و جایگاه ایران در بازار انرژی پس از جنگ

◇ | تجربه تاریخی بازسازی در مناطق درگیر منازعه نشان می‌دهد که احیای اقتصاد پساجنگ بدون بازسازی زیرساخت‌های انرژی عملاً امکان‌پذیر نیست. انرژی، به‌ویژه در قالب شبکه‌های برق، تأسیسات نفت و گاز و زیرساخت‌های انتقال، ستون فقرات فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی محسوب می‌شود و هرگونه اختلال گسترده در این حوزه، زنجیره‌ای از اختلالات را در سایر بخش‌های اقتصاد ایجاد می‌کند. از همین رو، در فرآیند بازسازی غرب آسیا پس از تحولات و درگیری‌های جنگ رمضان، بخش انرژی را باید مهم‌ترین پیشران احیای اقتصادی و زیرساختی منطقه دانست.

در بسیاری از مناطق آسیب‌دیده، زیرساخت‌های حیاتی از جمله نیروگاه‌ها، شبکه‌های انتقال برق، تأسیسات نفت و گاز و شبکه‌های تأمین آب و انرژی دچار خسارت‌های جدی شده‌اند. این زیرساخت‌ها به دلیل ماهیت درهم‌تنیده خود، نه تنها برای تأمین انرژی، بلکه برای عملکرد مؤثر سایر بخش‌ها همچون صنعت، حمل‌ونقل، خدمات شهری و فعالیت‌های تجاری ضروری هستند. به بیان دیگر، بازسازی انرژی صرفاً به معنای احیای یک بخش اقتصادی نیست، بلکه پیش‌شرط فعال شدن مجدد کل سیستم اقتصادی و اجتماعی در کشورهای درگیر بحران است.

از منظر اقتصاد سیاسی بازسازی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی معمولاً نخستین و بزرگ‌ترین موج سرمایه‌گذاری در دوره پساجنگ را شکل می‌دهد. دلیل این امر آن است که بدون دسترسی پایدار به انرژی، امکان راه‌اندازی صنایع، بازگشت جمعیت به مناطق شهری و احیای چرخه تولید و تجارت وجود ندارد. بنابراین، تخریب زیرساخت‌های انرژی در بحران‌های اخیر غرب آسیا، به‌طور همزمان یک چالش بزرگ و یک فرصت اقتصادی قابل توجه ایجاد کرده است.

اقتصاد سیاسی انرژی

پرونده ویژه

پترودلار و معماری قدرت در اقتصاد انرژی جهان

بخش سوم

تولد پترودلار؛

وقتی نفت جای طلا را گرفت

در اوایل دهه ۱۹۷۰ بازار جهانی انرژی با تحولات عمیقی روبه‌رو شد. افزایش قدرت کشورهای صادرکننده نفت و شوک نفتی سال ۱۹۷۳ اهمیت ژئوپلیتیکی انرژی را به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش داد. در همین مقطع ایالات متحده تلاش کرد نظم مالی جدیدی ایجاد کند که جای خالی پشتوانه طلای دلار را پر کند.

در سال ۱۹۷۴ توافق راهبردی میان ایالات متحده و عربستان سعودی شکل گرفت. براساس این توافق، عربستان متعهد شد نفت خود را تنها با دلار قیمت‌گذاری و معامله کند. در مقابل، ایالات متحده نیز امنیت نظامی و سیاسی عربستان را تضمین کرد و همکاری‌های گسترده اقتصادی و تسلیحاتی میان دو کشور شکل گرفت.

مربوط به همان لحظه است، اشتباه است. اکثر نیروگاه‌های حرارتی کشور در کنار گاز طبیعی، قابلیت استفاده از سوخت مایع (گازوئیل و مازوت) را دارند و در صورت کاهش مصرف برق، می‌توانند این سوخت‌های جایگزین را ذخیره کنند. در کشور حدود ۶ میلیارد لیتر ظرفیت ذخیره سوخت مایع وجود دارد. اگرچه این ذخایر اکنون در وضعیت نسبتاً مناسبی هستند، اما با ظرفیت حداکثری فاصله زیادی دارند (در سال‌های اخیر حتی در بهترین حالت تنها نیمی از این ظرفیت پر شده است).

بنابراین، هروا ساعت صرفه‌جویی در حال حاضر، معادل ذخیره یک وات ساعت انرژی برای شرایط احتمالی سخت‌تر است.

وضعیت فعلی تقابل‌ها به گونه‌ای رقم خورده که «تاب‌آوری و مقیومت در برابر تهدیدات»، به مهم‌ترین مولفه پیروزی تبدیل شده است. با توجه به اینکه حفظ و تأمین پایدار انرژی از شرایان‌های اصلی این حوزه است، بایستی از هم‌اکنون راهبرد صرفه‌جویی و کاهش مصرف انرژی را با جدیت پیگیری کرد.

این تصور که «در حال حاضر انرژی کافی داریم و نیازی به صرفه‌جویی نیست» یک خطای محاسباتی است. دلایل اصلی لزوم کاهش مصرف در مقطع کنونی عبارتند از:

۱. ذخیره‌سازی برای روزمباد:

تصور اینکه نفع کاهش مصرف انرژی صرفاً

به تدریج این الگو به سایر اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت نیز گسترش یافت. از آن پس، هر کشوری که قصد خرید نفت در بازار جهانی داشت، ابتدا باید دلار تهیه می‌کرد. این سازوکار تقاضای دائمی و ساختاری برای دلار ایجاد کرد و در عمل نفت را به پشتوانه غیررسمی این ارز تبدیل نمود.

بدین ترتیب نظامی شکل گرفت که بعدها در ادبیات اقتصادی با عنوان «پترودلار» شناخته شد. در این نظام، دلار نه به طلا بلکه به مهم‌ترین کالای استراتژیک جهان یعنی انرژی پیوند خورد. همین پیوند باعث شد حتی پس از پایان استاندارد طلا، دلار همچنان جایگاه مرکزی خود را در تجارت و مالیه بین‌المللی حفظ کند.

چگونه با کاهش مصرف انرژی، خط مقدم مقاومت را پشتیبانی کنیم؟

۳. افزایش امکان مانور شبکه در شرایط اضطراری:

در حملات اخیر، یکی از اهداف دشمن، پست‌های توزیع و انتقال برق بود. در یک ماه گذشته، به‌دلیل پایین بودن بار مصرفی شبکه، امکان مانور و اصطلاحاً «بازآرایی شبکه» با سهولت بیشتری برای متخصصان فراهم بود.

قاعده شبکه این است: هرچه بار مصرفی بیشتر باشد، ظرفیت خطوط و ترانس‌ها تکمیل‌تر است و امکان تغییر مسیر جریان برق و جبران قطعی‌ها سخت‌تر می‌شود. در نتیجه، صرفه‌جویی در مصرف برق، مستقیماً به معنای کمک به پایداری شبکه و افزایش قدرت مانور آن برای مقابله با تهدیدات احتمالی است. / جامعه اندیشکده‌ها

۲. جبران آسیب‌ها و کاهش تولید گاز:

در کنار موضوع ذخیره‌سازی، باید به محدودیت‌های تولید نیز توجه کرد. ضربه اواخر اسفندماه به عسلویه و پارس جنوبی (به‌عنوان قلب تپنده تأسیسات نفتی و گازی کشور)، منجر به آسیب به ۴ واحد از این تأسیسات شد. در اثر این اتفاق، قطعا بخش قابل توجهی از تولید گاز طبیعی و فرآورده‌های مرتبط (به‌دلیل کاهش میعان‌ات گازی) با افت مواجه شده است که به سادگی و در کوتاه‌مدت قابل جبران نیست.

با این اوصاف، اعمال محدودیت یا قطع برق و گاز صنایع در ماه‌های پیش‌رو بسیار محتمل است و هر یک واحد صرفه‌جویی ما، می‌تواند مستقیماً به حفظ چرخه تولید مؤثر کشور کمک کند.